



تعیین ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی از

دیدگاه معلمان^۱

Characteristics of Preferred Elementary Language Teaching Curriculum: Teachers' Point of View

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۰؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۳۰

A. Arabi Juneghani
Dr. A. Soltani (Ph.D)
Dr. K. Esmi (Ph.D)

احمد عربی جونقانی^۲

دکتر اصغر سلطانی^۳

دکتر کرامت اسمی^۴

Abstract: Language learning at the elementary level improves students' competency in language skills. Fulfilling this valuable goal requires the use of an appropriate model for elementary language teaching curriculum. Accordingly, the main purpose of this study is to determine the characteristics of desired model for elementary language teaching curriculum from teachers' point of view. This study is conducted through an interwoven mixed method. The statistical population in the quantitative section included all elementary teachers in Kerman. From this population, 350 teachers were selected as sample by random cluster sampling. In the qualitative section, the sample included 30 pre-provincial teachers at the elementary level. The research instrument in quantitative section was a researcher-made questionnaire. In the qualitative section, a semi-structured interview was used to collect data. The results revealed the teacher' priorities on three sections of fundamentals, principles and elements of elementary language teaching curriculum. These findings have important implications for curriculum designers and the writers of language teaching textbooks for elementary education.

چکیده: فراگیری زبان در دوره ابتدایی، قابلیت دانش‌آموزان در مهارت‌های زبانی را افزایش می‌دهد. رسیدن به این مهم، مستلزم به کارگیری الگوی مناسب برنامه درسی زبان‌آموزی، ویژه دوره ابتدایی است. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش تعیین ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان بود. این پژوهش از نوع ترکیبی در هم تنیده است و جامعه آماری آن در بخش کمی شامل همه معلمان ابتدایی شهر کرمان بود که از میان آن‌ها ۳۵۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. در بخش کیفی، نمونه آماری شامل ۳۰ نفر از معلمان برتر استانی دوره ابتدایی بود. ابزار پژوهش در بخش کمی، پرسشنامه محقق‌ساخته بود. در بخش کیفی نیز از مصاحبه نیمه‌ساختارمند برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار PLS و روش پایایی مرکب ۰/۹۱ و مقدار روایی همگرا ۰/۶۱ برآورد گردید. نتایج پژوهش اولویت‌های معلمان را در سه بخش مبانی، اصول و عناصر برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی مشخص ساخت. این یافته‌ها دلالت‌های مهمی برای طراحان برنامه‌ها و مؤلفان کتاب‌های درسی آموزش زبان در دوره ابتدایی دارد.

Keywords: curriculum, language teaching, elementary school, teachers

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی، زبان‌آموزی، دوره ابتدایی، معلمان.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات برنامه‌درسی است.

۲. arab.ahamad146@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

a.soltani.edu@uk.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)

km.esmi@uk.ac.ir

۴. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

زبان نظامی است شامل مجموعه‌ای از نشانه‌ها و علائم محدود که به انسان‌ها امکان می‌دهد با هم در ارتباط و کنش متقابل باشند (چامسکی^۱، ۲۰۰۶). این نظام دارای ویژگی‌های متعددی است که عبارت‌اند از قراردادی بودن نشانه‌های زبانی، خلاقیت زبان، عدم وابستگی به زمان و مکان و چند نقشی بودن زبان (زندى، ۱۳۹۳). از سوی دیگر، زبان با پدید آوردن برخی ساختارهای معنایی، به انسان امکان می‌دهد تا در مورد تجربه‌های خود بیندیشند و به شیوه‌ای سازنده منظور خود را به زبان آورد (هالیدی^۲، ۲۰۰۶). مهارت‌های زبانی همواره نقشی تعیین‌کننده در تربیت انسان، رشد فکری، کسب معرفت، توسعه اندیشه، خلاقیت و افزایش مهارت‌های ارتباطی داشته است (هنسلر^۳ ۲۰۰۱). بر این اساس، زبان عمده‌ترین نظام نمادی مورد استفاده انسان است که از طریق آن تجارب خود را به رمز در آورده و آن‌ها را ذخیره می‌کند. به عقیده پیازه، زبان‌آموزی نتیجه نمادسازی است (لاکین^۴، ۲۰۱۲).

فرایند یادگیری زبان در مراحل مختلف زندگی انسان با شرایط خاص زبان‌شناختی و روان‌شناختی مختص هر مرحله اتفاق می‌افتد. مبانی، اصول و اهداف زبان‌آموزی، بسته به سن افراد تحت یادگیری، با هم متفاوت است. در دوره‌های مختلف رشد، به فعالیت‌ها، ابزارها و متون آموزشی متفاوتی نیاز داریم و اهداف یادگیری زبان هم برای گروه‌های مختلف آموزشی متفاوت است (اریکا^۵، ۲۰۱۱). کودک در مراحل مختلف رشد خود، به تدریج با نقش‌های زبانی مختلف آشنا می‌شود (الیوت^۶، ۲۰۰۹). بنابراین، یادگیری‌های ابتدایی زبان در محیط خانواده و در تعامل با والدین و همسالان اتفاق می‌افتد. دانش‌آموز پیش از ورود به دبستان، در تعامل با محیط خانوادگی، فرهنگی و پیش‌زمینه اجتماعی و اقتصادی خانواده، تا حدی مهارت‌های زبانی را فرا می‌گیرد. پس از این مرحله، آموزش زبان به شکل رسمی و در

-
1. Chomsky
 2. Halliday
 3. Henseler
 4. Lukin
 5. Erika
 6. Elliot

تعیین ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی از ...

محیط‌های آموزشی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد (عربی و همکاران، ۱۳۹۶). با وجود این، فراگیری زبان به شکل رسمی آن از دوران آموزش ابتدایی آغاز می‌شود (دانای طوسی و بازیار، ۱۳۹۰). زبان از جمله اولین مهارت‌هایی است که کودک برای برقراری ارتباط بهتر با دیگران، استفاده از کارکردهای مختلف زبان و رفع نیازهای مرتبط با زبان در دوره ابتدایی فرا می‌گیرد (ریچاردز^۱، ۲۰۰۷). زبان‌آموزی در دوره ابتدایی، در فراگیری زبان رسمی کشور و توانمند ساختن دانش‌آموزان برای بهره‌گیری از مهارت‌های زبانی و برقراری ارتباط، از نقشی محوری برخوردار است (قاسم پور، ۱۳۸۵). اگرچه مهارت‌های زبانی کودکان دبستانی را می‌توان با گسترش دوره‌های پیش‌دبستانی بهبود بخشید (مفیدی و سبزه، ۱۳۸۷)، با این وجود، اهمیت آموزش زبان در دوره ابتدایی بسیار زیاد است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند، کودکانی که در معرض زبان‌آموزی مناسب در دوره ابتدایی قرار نگرفته‌اند، از توانایی ارتباطی کافی در دنیای متغیر امروز برخوردار نیستند (کلایموا^۲، ۲۰۱۴). بر این اساس، آموزش زبان رسمی هر کشور به صورت اصولی و با استفاده از یک برنامه مدون درسی زبان‌آموزی در مقطع اول ابتدایی شروع می‌شود (قاسم پور، ۱۳۸۳).

آموزش زبان با کیفیت مستلزم توجه به مبانی، اصول، نظریه‌ها و روش‌های علمی زبان‌آموزی در قالب طراحی و اجرای یک برنامه درسی زبان‌آموزی است که به تمامی عناصر سازنده برنامه درسی توجهی ویژه داشته باشد. برنامه درسی آن نوع محتوایی است که طراحی شده و انتقال داده می‌شود و شامل ساختار و روش، سازمان‌دهی و ارائه محتوا در کلاس درس است (کیلی^۳، ۲۰۰۵). بر اساس این برداشت عمومی از برنامه درسی، برنامه درسی زبان‌آموزی نیز تشریح‌کننده مجموعه‌ای از فرایندهاست که بر طراحی، بازبینی، پیاده‌سازی و ارزیابی برنامه‌های زبان‌آموزی متمرکز است (ریچاردز، ۲۰۰۱). بنابراین، برنامه درسی زبان‌آموزی بخشی از زمینه‌ای وسیع‌تر از فعالیت‌های آموزشی بوده که به‌عنوان برنامه درسی یا مطالعات برنامه درسی شناخته می‌شود و در عمل، در مجموعه‌ای از نیازسنجی‌ها، تعیین و تدوین اهداف، تعیین اصول، تعیین جداول وسعت و توالی هدف و محتوا، ساختار محتوای کتاب

1. Richards
2. Klimova
3. Keeley

درسی، شیوه‌های یادگیری، شیوه‌های ارزشیابی، عملکرد و رفتار معلمان و در نهایت ابعاد وجودی دانش‌آموزان جلوه‌گر می‌شود (زندى، ۱۳۹۰).

برنامه درسی زبان‌آموزی در میان دیگر برنامه‌های درسی دوره ابتدایی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و نه تنها در تحکیم و تثبیت روابط اجتماعی مؤثر است بلکه یادگیری سایر مواد درسی چون ریاضی، علوم و مطالعات اجتماعی را تسهیل کرده و تعمیق می‌بخشد (قاسم‌پور، ۱۳۸۵). اجرای یک برنامه درسی زبان‌آموزی مطلوب به دانش‌آموزان امکان می‌دهد که روابط بینافردی مؤثرتری برقرار کنند، اطلاعات مهمی را کسب کرده، و به طرز مناسبی به پیام‌های شفاهی واکنش نشان دهند. از این رو، برنامه درسی به‌عنوان نظامی بهینه و مدون برای آموزش محتوای واحدهای درسی به دانش‌آموزان در مدارس به کار می‌رود (فاریس^۱، ۲۰۱۱). هر الگوی برنامه درسی مجموعه‌ای از عوامل و عناصر منظم و منسجم شامل روش تدریس، محتوا و مواد آموزشی، اهداف و مهارت‌های مربی و فعالیت یادگیرنده و ارزشیابی است (استفان^۲، ۲۰۱۰). بر این اساس، برای ارائه یک الگوی مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی برای دوره ابتدایی لازم است که از یافته‌های علوم تربیتی به‌طور عام و علم برنامه‌ریزی درسی به‌طور خاص و نیز اندیشه‌های برجسته برخی مکاتب روان‌شناسی و زبان‌شناسی بهره‌گرفت. به‌کارگیری علمی و عملی اصول و معیارهای دانش برنامه‌ریزی درسی در مراحل طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌درسی زبان‌آموزی موجب تعادل در سیر منطقی آموزش و توسعه و تعمیق مفاهیم مورد نظر می‌شود. در نتیجه، امکان وصول به هدف‌های برنامه بیشتر شده و محتوای آموزشی با نیازهای دانش‌آموزان و انتظارات جامعه هم‌سو می‌گردد.

مبانی نظری پژوهش

زبان‌آموزی در مدرسه مستلزم طراحی یک برنامه‌درسی مدون با توجه به شرایط سنی دانش‌آموزان است (ویلیامز و اسنپیر^۳، ۲۰۰۰). از سوی دیگر، برای ارائه یک الگوی مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی در نظر گرفتن مبانی، اصول و عناصر برنامه درسی زبان‌آموزی

-
1. Farris
 2. Staffan
 3. Williams & Snipper

تعیین ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی از ...

ضروری است (زندى، ۱۳۹۳). برای طراحی هر برنامه درسی می‌توان از نظریه‌های زبان‌آموزی مختلف استفاده نمود (قاسم‌پور، ۱۳۸۳). مبانی برنامه درسی زبان‌آموزی شامل دو مجموعه نظریه‌های روان‌شناختی و نظریه‌های زبان‌شناختی یادگیری زبان است. عمده نظریه‌های مربوط به یادگیری زبان برخاسته از نظریه‌های عام روان‌شناسی یادگیری هستند، مانند نظریه‌های رفتاری، نظریه‌های مبتنی بر شناخت‌گرایی و نظریه‌های رفتارگرایی شناختی. با این حال، نظریه‌های یادگیری فطری زبان و نظریه یادگیری پردازشی زبان (تعاملی)، گروه دیگری از نظریه‌های یادگیری زبان را تشکیل می‌دهند که خاص زبان‌آموزی هستند.

از نظر روان‌شناسان رفتارگرا، یادگیری زبان امری اکتسابی است. بر این اساس، ذهن فراگیر زبان، تنها پذیرای محرکات بیرونی زبانی است. بر این اساس، مشاهده منظم رویدادهای جهان خارج است که کودک را وادار به تولید زبان می‌کند. از نظر اسکینر (۱۹۵۷) در نظریه شرطی‌سازی عامل در یادگیری زبان، شرط لازم برای فهم چگونگی یادگیری زبان این است که بتوانیم متغیرهای حاکم^۱ و عوامل بیرونی را مشخص سازیم. در نظریه یادگیری اسکینر، اگر رفتار زبانی معینی به‌طور مکرر یک نتیجه مثبت داشته باشد، به تقویت مثبت و در نتیجه تکرار رفتار زبانی منجر می‌شود و برعکس. رفتارگرایان معتقدند که عامل تقلید و بسامد، یعنی فراوانی کاربرد واژه‌ها و ساخت‌های زبان در یادگیری‌های زبانی کودک نقش مهمی دارد (زندى، ۱۳۹۳).

در تقابل با نظریه‌های رفتارگرایی، نظریه‌های شناختی زبان مطرح می‌شوند. پیازه^۲ (۱۹۶۹) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان شناختی معتقد است که رشد شناختی کودک، فراگیری زبانی او را هدایت می‌کند. بنابراین، رشد زبان بستگی به رشد تفکر و شناخت فراگیر از جهان دارد. بر این اساس، رشد زبان جنبه‌ای از رشد شناختی کودک و متاثر از آن است. در این گروه از نظریه‌های یادگیری زبان، نظریه‌های رفتارگرایی شناختی که تلفیقی از دو گروه نظریه پیشین هستند قرار می‌گیرند. معروف‌ترین نظریه‌پرداز این گروه، بندورا^۳ (۱۹۷۷) است که نظریه

1. Controlling Variables

2. Piaget

3. Bandura

یادگیری اجتماعی او در یادگیری زبان مطرح است. این نظریه مبتنی بر یادگیری مشاهده‌ای و فرایند مدل‌سازی در یادگیری زبان است.

در صدر نظریه‌هایی که خاص زبان‌آموزی ارائه شده‌اند، دو نظریه یادگیری فطری زبان و نظریه یادگیری پردازشی یا تعاملی زبان قرار دارند. چامسکی (۲۰۰۶) با انتقاد از نظریه‌های رفتارگرایی در زبان، توانایی یادگیری زبان در انسان را امری فطری می‌داند. از نظر او، هر کودک دارای یک نظام ذهنی به نام دستگاه فراگیری زبان است که او را قادر می‌سازد تا درباره ساخت زبانی که در حال یادگیری آن است فرضیه‌های بسازد. کودک این فرضیه‌ها را به‌طور مداوم با درونداد زبانی جدید مطابقت داده و به‌طور منظم آن‌ها را تعدیل می‌کند و در نتیجه مهارت‌های زبانی جدیدی را فرا می‌گیرد (زندى، ۱۳۹۳). با این وجود، نظریه یادگیری فطری زبان با انتقادهایی روبرو شده است.

نظریه یادگیری پردازشی زبان را می‌توان از جمله کامل‌ترین نظریه‌هایی دانست که در تقابل با نظریه یادگیری فطری زبان ارائه شده‌اند. بر اساس این نظریه، زبان به جای این‌که دانشی ایستا باشد، فرایندی پویاست. بر اساس این نظریه، به موقعیت زبانی واقعی و همچنین چگونگی کاربرد زبان در موقعیت‌های واقعی توجه می‌شود. علاوه بر این، این رویکرد مبتنی بر روش‌های پردازش اطلاعات در ذهن است که در آن داده‌های زبانی محیط یادگیری به‌عنوان درونداد وارد ذهن می‌شوند؛ بنابراین سازمان شناختی ذهن ساخت زبانی محیط یادگیری را کشف کرده و در نهایت به برون‌داد یا رفتار زبانی کودک منجر می‌گردد. بر اساس این نظریه، یادگیری‌های زبانی انسان، نتیجه فعالیت مستمر پردازش داده‌های زبانی در ساخت شناختی کودک است که از محیط دریافت می‌گردند (زندى، ۱۳۹۳). در نظریه تعاملی زبان، رشد مهارت‌های ارتباطی در محیط واقعی، نقش مهمی در یادگیری مهارت‌های زبانی کودک دارد. امروزه آموزش‌های مدرن زبان برای کودکان، تحت تأثیر رویکرد ارتباطی است، یعنی هدف و غایت آموزش زبان، فراگیری مهارت‌های زبانی به‌منظور برقراری ارتباط در دنیای واقعی است (داگلاس براون^۱، ۲۰۰۴).

تعیین ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی از ...

به‌طورکلی، گوناگونی نظریه‌های زبان‌آموزی کودک، حاکی از پیچیدگی فرآیند زبان‌آموزی است. هرکدام از نظریه‌ها، نگاه متفاوتی به ماهیت انسان دارد. نظریه‌هایی که اعتقاد دارند انسان بدون هیچ‌گونه توانایی خاصی متولد می‌شود، یادگیری زبان کودک را متأثر از محرک‌های محیطی و اصول شرطی شدن می‌دانند. در مقابل کسانی که اعتقاد دارند کودک با مجموعه‌ای از توانایی‌ها و استعدادهای زبانی متولد می‌شود، به نقش وراثت در زبان‌آموزی تأکید دارند. (ویدوسن^۱، ۲۰۰۲).

از سوی دیگر، اصول کلی تعلیم و تربیت (شکوهی، ۱۳۸۵) را می‌توان به‌عنوان جهت‌دهنده اصول اساسی برنامه‌درسی زبان‌آموزی در نظر گرفت. با این حال اصول دیگری نیز وجود دارند که خاص آموزش زبان بوده و لازم است که در طراحی الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی به آن‌ها توجه داشت. بر اساس اصل کودک محوری، کودک مبنای اصلی تصمیم‌گیری‌های اساسی در خصوص هر یک از عناصر برنامه‌درسی زبان‌آموزی است. در اصل محوریت رویکرد کل‌نگر، برنامه‌زبان‌آموزی بر رشد کلی و همه‌جانبه کودک متمرکز است. این رویکرد مستلزم نگاهی همه‌جانبه به کودک بوده و بر اساس آن، مهارت‌های زبانی کودک، مانند خواندن، نوشتن، گوش دادن و گفتن همراه با مهارت‌های فردی دیگر مانند استقلال در فکر و عمل، و مهارت‌های اجتماعی مانند مسئولیت‌پذیری، حل مساله و مانند آن رشد می‌یابد. در اصل انعطاف‌پذیری برنامه، علاوه بر احترام به فردیت کودک، برنامه‌درسی سازمان‌یافته و منظمی برای یادگیری مهارت‌های زبانی کودک در نظر گرفته می‌شود. در یکی از اصول دیگر، برنامه‌درسی زبان‌آموزی به‌عنوان تدارک فرصت‌هایی برای یادگیری مهارت‌های زبانی در نظر گرفته می‌شود. این اصل در تقابل با رویکرد برنامه‌درسی به‌عنوان فهرست رئوس مطالب است که دیدگاهی سطحی به برنامه‌درسی دارد. یکی از مهم‌ترین اصول برنامه‌درسی زبان‌آموزی، اصل محوریت بازی و فعالیت‌های عملی در آموزش و یادگیری زبان است. بر اساس این اصل، بازی طبیعی‌ترین ابزار برای بر زبان آوردن ایده‌ها، احساسات و دریافت پیام‌های زبانی دیگران است و به برقراری ارتباط اجتماعی کودک کمک می‌کند. در نهایت، اصل محوریت رویکرد ارتباطی در گزینش محتوا و روش‌های زبان‌آموزی مطرح می‌گردد. این

اصل بر توجه به رویکرد ارتباطی، به جای استفاده از رویکردهای دستوری و موقعیتی در طراحی عناصر برنامه درسی تأکید دارد (زندى، ۱۳۹۳).

طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی، علاوه بر در نظر گرفتن نظریه‌ها و اصول زبان‌شناختی و آموزش، وابسته به در نظر گرفتن تمامی عناصر برنامه درسی سازنده یک برنامه درسی است. عناصر برنامه درسی از دیدگاه صاحب نظران مختلف، متفاوت هستند. برخی مانند زایس^۱ (۱۹۷۶)، عناصر چهارگانه هدف‌ها، محتوا، اجرا و ارزشیابی را برای برنامه درسی در نظر می‌گیرند. آیزنر^۲ (۲۰۰۱)، عناصر برنامه درسی را شامل هدف، محتوا، فرصت‌های یادگیری، سازماندهی محتوا، روش‌های ارائه و ارزشیابی می‌داند. از دید کلاین^۳ (۱۹۸۵) عناصر برنامه درسی شامل نه عنصر هدف‌ها، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری، مواد و منابع، فعالیت‌های یادگیری فراگیران، ارزشیابی، گروه‌بندی فراگیران، زمان و فضا است. فان دن آکر^۴ (۲۰۰۳) نیز الگویی تار عنکبوتی از عناصر برنامه درسی ارائه می‌دهد که شامل ده عنصر منطق، مقاصد و اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، نقش معلم، مواد و منابع، گروه‌بندی، مکان، زمان و سنجش و ارزشیابی است. بر این اساس، عناصر برنامه درسی زبان‌آموزی شامل نیازسنجی و گزینش اهداف زبان‌آموزی، گزینش و سازماندهی محتوای برنامه زبان‌آموزی، راهبردهای ارائه محتوا، و شیوه‌های ارزشیابی مهارت‌های زبانی است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی در ارتباط با جنبه‌های مختلف زبان‌آموزی صورت گرفته است، با این حال پژوهش‌های اندکی با موضوع الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی انجام شده است. یکی از پژوهش‌های مرتبط با این موضوع، که به جنبه‌های مختلف زبان‌آموزی، مانند اثربخشی فعالیت‌های زبان‌آموزی دوره پیش‌دبستانی بر رشد زبان‌گفتاری دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی پرداخته است، توسط چنانی و عبدالخانی (۱۳۹۳)، انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد که

-
1. Zais
 2. Eisner
 3. Klein
 4. Van Den Akker

تعیین ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی از ...

زبان گفتاری، شامل مهارت‌های واژگانی و مهارت‌های دستوری، در دانش‌آموزانی که دوره پیش‌دبستانی را گذرانده به‌طور معنی‌داری بیشتر از دانش‌آموزانی است که دوره پیش‌دبستانی را نگذرانده بودند، به‌علاوه یافته‌ها نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین دختران و پسران از نظر رشد زبان وجود دارد. همچنین موسوی زاده و احمدی مبارکه (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر بازی‌های آموزشی بر زبان‌آموزی کودکان پیش‌دبستانی، پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که بازی‌های آموزشی (شکل‌ها و رنگ‌ها، میوه‌ها و جانوران) بر مؤلفه‌های زبان‌آموزی (واژگان تصویری، واژگان ربطی و واژگان شفاهی) تأثیر معناداری دارند. پژوهش مجلل چوبقلو و تمجید تاش (۱۳۹۱) نشان داد که محتوای زبان‌آموزی موجود در کتاب بخوانیم و بنویسیم برای مناطق دوزبانه مطلوب نبوده و توان ایجاد مهارت زبان فارسی را به‌طور مطلوب در دانش‌آموزان پایه اول مقطع ابتدایی این مناطق ندارد. دانای طوسی و بازاریار (۱۳۹۰)، در مطالعه‌ای به بررسی شاخص‌های آموزش گوش دادن در دوره ابتدایی با شواهدی از برنامه درسی زبان ملی چند کشور پیشرو در زبان‌آموزی، پرداختند. پژوهش آن‌ها نشان داد که در چارچوب برنامه درسی زبان فارسی، مهارت گوش دادن به‌صورت امری دانسته شده، فرض گردیده است چراکه تعریف مشخصی برای آن ارائه نشده و خرده مهارت‌های آن نیز معرفی نشده‌اند.

گروه دیگری از پژوهش‌ها، برنامه‌درسی زبان‌آموزی را از دیدگاه و همچنین توانایی‌های معلمان در رویارویی با فرایند برنامه‌درسی زبان‌آموزی بررسی کرده‌اند، رویکردی که در پژوهش حاضر نیز مورد توجه بوده است. به‌عنوان مثال، بونایاسو^۱ (۲۰۱۴)، به بررسی پیشنهادهاى راهبردى معلمان در زمینه پیاده‌سازی برنامه درسی زبان‌آموزی در اروپا پرداخت. نتایج این پژوهش منتج به تأیید به‌کارگیری برخی برنامه‌ها و روش‌های پیشنهادی معلمان برای برنامه درسی زبان‌آموزی در سطح ملی و اروپایی شد. در پژوهشی دیگر از این‌دست، سرفراز، منصورا و طاروق^۲ (۲۰۱۵)، در مطالعه‌ای موردی به بررسی ادراکات دانش‌آموزان و معلمان از روش زبان‌آموزی ارتباطی پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که ادراکات کلی دانش‌آموزان و معلمان، رابطه‌ای مثبت با رویکرد زبان‌آموزی ارتباطی دارد.

1. Bunăiasu

2. Sarfraz, Mansoor & Tariq

گروه دیگری از پژوهش‌ها، مؤلفه‌های آموزشی، فرهنگی، فردی و اجتماعی تأثیرگذار بر فرایند زبان‌آموزی را بررسی کرده‌اند. کاتالا^۱ (۲۰۱۵)، به بررسی نقش مؤلفه‌های فرهنگی همانند میراث فرهنگی، هویت و انگیزش در یادگیری زبان برای آموزش زبان اول پرداخت. هدف وی پرداختن بررسی نگرش‌های معلم نسبت به تدریس معلم در ارتباط با مؤلفه‌های فرهنگی بود. نتایج او نشان داد که مؤلفه‌های فرهنگی بر زبان‌آموزی تأثیر زیادی دارند. اریکسون^۲ و همکاران (۲۰۱۲)، در تحقیقی به بررسی تأثیر دوره پیش‌دبستانی و کیفیت سطح سواد والدین بر رشد زبان کودکان پرداختند. نتایج این تحقیق در مورد ۱۶۲ کودک نشان داد، کودکانی که در ۱ سالگی وارد مهدکودک شده‌اند مهارت زبانی بهتری در قصه‌گویی نسبت به کودکانی داشتند که در سه سالگی وارد مهدکودک شده بودند.

پرسش‌های پژوهش

هدف اساسی پژوهش حاضر تعیین ویژگی‌های برنامه درسی مطلوب زبان‌آموزی دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان است. بر این اساس، نظرات معلمان آموزش زبان فارسی مبنایی برای ترسیم ویژگی‌های این برنامه درسی قرار گرفت. در تحقیقات داخلی در زمینه زبان‌آموزی به جنبه‌های مختلف زبان‌آموزی مثل اهمیت نقش ارتباطی زبان در فرایند زبان‌آموزی (پهلوان نژاد و نجفی، ۱۳۸۷)، آموزش شاخص‌های گوش دادن در مقطع ابتدایی (دانای طوسی و بازیر، ۱۳۹۰)، رشد زبان و فرضیه‌های زبان‌آموزی کودک (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۰) و تأثیر فعالیت‌های زبان‌آموزی دوره پیش‌دبستانی بر رشد زبان گفتاری دانش‌آموزان (مفیدی و سبزه، ۱۳۸۷)، پرداخته شده است. با این وجود، هنوز پژوهشی مستقل در مورد ویژگی‌های برنامه درسی مطلوب زبان‌آموزی در دوره ابتدایی انجام نشده است.

بر این اساس، و با توجه به مبانی نظری، پیشینه و هدف اساسی پژوهش، پرسش‌های پژوهشی زیر مطرح شدند:

۱. الگوی مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی بر چه مبانی نظری تأکید دارد؟

1. Catala
2. Eriksson Et Al.

تعیین ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی از ...

۲. الگوی مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی بر چه اصولی تأکید دارد؟

۳. هدف‌های مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی کدامند؟

۴. محتوای مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی دارای چه ویژگی‌هایی است؟

۵. روش‌های یاددهی و یادگیری مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی کدامند؟

۶. روش‌های ارزشیابی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی کدامند؟

روش پژوهش

روش این پژوهش شامل دو بخش کیفی و کمی است. بنابراین پژوهش حاضر از نظر نوع، تحقیق ترکیبی در هم تنیده است چون اولویت در گردآوری داده‌های کمی و کیفی به میزان مساوی بود. طرح پژوهش در بخش کیفی، مبتنی بر روش پدیدارشناسی^۱ با ابزار مصاحبه و در بخش کمی نیز طرح پژوهش پیمایشی^۲ با ابزار پرسشنامه بود. جامعه آماری در بخش کمی، شامل تمامی معلمان دوره ابتدایی شاغل به تدریس در شهر کرمان (۳۳۴۴ نفر) در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ بود. روش نمونه‌گیری در این بخش، تصادفی خوشه‌ای یا ناحیه‌ای تک‌مرحله‌ای^۳ بود که بر اساس آن، ۳۵۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه‌گیری بخش کیفی پژوهش به شکل هدفمند انجام شد. از آنجا که در تحقیق کیفی، هدف انتخاب مورد یا نمونه‌ها، برای فهم عمیق‌تر پدیده‌های مورد بررسی است، بنابراین به انتخاب مواردی پرداخته می‌شود که با توجه به هدف پژوهش، اطلاعات بیشتری داشته باشند. بنابراین معلمان برتر استانی به‌عنوان جامعه آماری در بخش کیفی انتخاب شدند. مبنای کفایت نمونه در این بخش نیز اشباع نظرات آزمودنی‌ها بود. بر اساس تشخیص پژوهشگران، تکرار داده‌ها در این بخش، تقریباً در حجم نمونه ۳۰ نفره از معلمان رخ داد.

گردآوری اطلاعات در بخش کمی از طریق اجرای یک پرسشنامه محقق‌ساخته^۴ ۵۷ سوالی بود. نظرات نمونه ۳۵۰ نفره از معلمان در مورد هر یک از مؤلفه‌های مبانی، اصول و عناصر برنامه درسی زبان‌آموزی در دوره ابتدایی، در مقیاس پنج نمره‌ای لیکرت مورد سنجش قرار

-
1. Phenomenology
 2. Survey
 3. Cluster Random Sampling
 4. Researcher Made

گرفت. در بخش کیفی نیز، ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختاریافته^۱ بود. به منظور تعیین روایی سازه ابزار پرسشنامه، از روایی همگرا، با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی (در نرم‌افزار PLS) استفاده شد. بر این اساس، میزان روایی همگرا پرسشنامه، ۰/۶۱ برآورد گردید که نشان‌دهنده روایی مطلوب ابزار مورد استفاده بود. پایایی ابزار نیز با استفاده از روش پایایی مرکب^۲ (در نرم‌افزار PLS)، ۰/۹۱ محاسبه گردید. علاوه بر این، میزان پایایی ابزار به روش همسانی درونی و بر اساس ضریب آلفای کرونباخ (در نرم‌افزار SPSS22) ۰/۹۳ برآورد شد که نشان‌دهنده پایایی مناسب پرسشنامه مورد استفاده بود. ذکر این نکته ضروری است که پایایی مرکب معیار بهتری از آلفای کرونباخ به شمار می‌رود (وینزی^۳ و همکاران، ۲۰۱۰).

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کمی، آماره‌های تحلیل عاملی و اولویت اثر (در نرم‌افزار SmartPLS) و t تک نمونه‌ای (در نرم‌افزار SPSS22) به کار گرفته شد. همچنین جهت تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه نیمه‌ساختارمند از روش مقوله‌بندی استفاده گردید.

یافته‌ها

سؤال اول پژوهش: الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی بر چه مبانی نظری تأکید دارد؟

بر اساس نتایج جدول ۱، تمامی مقادیر t محاسبه شده به غیر از (نظریه یادگیری فطری زبان (نهادگرایی) بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است و به این ترتیب اولویت اثر هر یک از مبانی مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی در سطح ۰/۰۵ معنادار است. بر اساس نتایج این جدول، از نظر معلمان بالاترین اولویت اثر مربوط به «نظریه یادگیری اجتماعی (مشاهده و تقلید) زبان» است که نشان می‌دهد نظریه یادگیری اجتماعی (مشاهده و تقلید) زبان، جایگاه مناسبی در مبانی مطلوب مورد نظر معلمان در این درس دارد. همچنین کمترین اولویت اثر، مربوط به «نظریه یادگیری فطری زبان (نهادگرایی) زبان‌آموزی» است. طرفداران این رویکرد به ذاتی بودن زبان معتقد

-
1. Unstructured Interview
 2. Composite Reliability
 3. Vinzi

تعیین ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی از ...

هستند. به نظر آن‌ها، کودکان از نظر زیست‌شناختی مستعد و آماده‌ی یادگیری و کاربرد زبان می‌باشند و نیازی به آموزش برای یادگیری زبان ندارند. بنابراین استفاده از نظریه یادگیری فطری زبان (نهادگرایی)، مبنای زبان‌آموزی مطلوبی در دیدگاه معلمان نیست.

جدول ۱. اولویت اثر هر یک از سؤالات مربوط به مبانی مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی

اولویت اثر	T	سؤال	ردیف
۴	۱۱/۶۴	نظریه شرطی‌سازی عامل (رفتارگرایی) مبنای مناسبی برای یادگیری زبانی دانش‌آموزان است.	۱
۶	۰/۲۲	نظریه یادگیری فطری زبان (نهادگرایی) مبنای مناسبی برای یادگیری زبانی دانش‌آموزان است.	۲
۳	۱۴/۸۲	نظریه یادگیری شناختی زبان مبنای مناسبی برای یادگیری زبانی دانش‌آموزان است.	۳
۲	۳۰/۴۵	نظریه یادگیری پردازشی (تعاملی) زبان مبنای مناسبی برای یادگیری زبانی دانش‌آموزان است.	۴
۱	۵۷/۸۷	نظریه یادگیری اجتماعی (مشاهده و تقلید) مبنای مناسبی برای یادگیری زبانی دانش‌آموزان است.	۵
۵	۸/۱۲	نظریه یادگیری زیستی زبان مبنای مناسبی برای یادگیری زبانی دانش‌آموزان است.	۶

جدول ۲، نتایج دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در مورد مبانی برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی در بخش کیفی را نشان می‌دهد. بر این اساس، ۴۶ درصد از شرکت‌کنندگان نظریه یادگیری اجتماعی (مشاهده و تقلید) زبان را مبنای مناسبی برای یادگیری فراگیران ابتدایی می‌دانند که از بالاترین درصد فراوانی در میان مبانی زبان‌شناختی برخوردار است. نتایج به‌دست‌آمده در بخش کمی هم مؤید این نتیجه است که معلمان در امر زبان‌آموزی توجه بیشتری به آموزش از طریق مشاهده و تقلید آموزه‌های زبانی دارند و از سوی دیگر نظریه یادگیری فطری (نهادگرایی) و نظریه یادگیری زیستی در برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی مورد استفاده معلمان در آموزش زبان‌آموزی قرار نگرفته است.

جدول ۲. خلاصه نتایج انجام مصاحبه در مورد مبانی مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی

درصد	مقوله فرعی	مقوله اصلی
۲۴	نظریه رفتارگرایی (یادگیری زبان امری اکتسابی است. ذهن فراگیر زبان تنها پذیرای محرکات بیرونی زبانی بیرونی است و مشاهده منظم رویدادهای جهان خارج است)	مبانی نظری برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی
۰	نظریه نهادگرایی (توانایی یادگیری زبان در انسان امری فطری است. کودک دارای یک نظام ذهنی به نام دستگاه فراگیری زبان است).	
۱۰	نظریه شناخت‌گرا (رشد شناختی کودک، فراگیری زبانی او را هدایت می‌کند. رشد زبان بستگی به رشد تفکر و شناخت فراگیر از جهان دارد. رشد زبان جنبه‌ای از رشد شناختی کودک و متاثر از آن است).	
۴۶	نظریه اجتماعی (یادگیری زبان از طریق مشاهده و فرایند مدل‌سازی است).	
۰	نظریه زیستی (بهترین دوره برای یادگیری زبان از هجده ماهگی تا بلوغ است. در طول این مدت، فراگیری زبان به‌طور طبیعی انجام خواهد گرفت و خارج از آن یادگیری زبان مشکل است).	
۱۰	نظریه تعاملی (یادگیری زبان مبتنی بر روش‌های پردازش اطلاعات در ذهن است و در آن داده‌های زبانی محیط یادگیری به عنوان درونداد وارد ذهن می‌شوند. سازمان شناختی ذهن کودک ساخت زبانی محیط یادگیری را کشف کرده که در نهایت به برونداد یا رفتار زبانی کودک منجر می‌گردد).	

تعیین ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی از ...

سؤال دوم پژوهش: الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی بر چه اصولی تاکید دارد؟

سؤال دوم پژوهش، اصول مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی از دیدگاه معلمان را در دو بخش کمی و کیفی مورد ارزیابی قرار داده است. بر اساس نتایج جدول ۳، تمام مقادیر t محاسبه شده به غیر از (اصل کودک‌محوری در یادگیری)، بزرگ‌تر از $1/96$ است و به این ترتیب اولویت اثر هر یک از اصول مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی در سطح $0/05$ معنادار است. بر این اساس، از نظر معلمان بالاترین اولویت اثر مربوط به «اصل تلقی برنامه زبان‌آموزی به‌عنوان تدارک فرصت‌های یادگیری» است. کمترین اولویت اثر نیز مربوط به «اصل کودک‌محوری در یادگیری» است. این یافته نشان می‌دهد که استفاده از اصل تلقی برنامه زبان‌آموزی به‌عنوان تدارک فرصت‌های یادگیری، جایگاه مناسبی در اصول مطلوب مورد نظر معلمان در این درس دارد. از سوی دیگر، استفاده از اصل کودک‌محوری در یادگیری، اصل زبان‌آموزی مطلوبی در دیدگاه معلمان نیست. دلیل این مساله می‌تواند آموزش‌های سنتی زبان در مدارس باشد که به‌طور کلی جایگاه مناسبی برای دانش‌آموز در برنامه‌های آموزشی در نظر نمی‌گیرد.

جدول ۳. اولویت اثر هر یک از سؤالات مربوط به اصول مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی

ردیف	سؤال	t	اولویت اثر
۷	برنامه زبان‌آموزی ابتدایی باید مبتنی بر اصل کودک‌محوری در یادگیری باشد.	۰/۱۵	۷
۸	برنامه زبان‌آموزی باید مبتنی بر اصل محوریت رویکرد کل‌نگر در یادگیری باشد.	۱۳/۰۵	۶
۹	برنامه زبان‌آموزی باید مبتنی بر اصل انعطاف‌پذیری برنامه در یادگیری باشد.	۱۳/۷۴	۴
۱۰	برنامه زبان‌آموزی باید مبتنی بر اصل تلقی برنامه زبان‌آموزی به‌عنوان تدارک فرصت‌های یادگیری باشد.	۷۲/۱۰	۱
۱۱	برنامه زبان‌آموزی باید مبتنی بر اصل محوریت بازی در یادگیری باشد.	۲۴/۶۹	۲
۱۲	برنامه زبان‌آموزی باید مبتنی بر اصل موضوع‌محوری در یادگیری باشد.	۳۱/۳۹	۳
۱۳	برنامه زبان‌آموزی باید مبتنی بر اصل محوریت رویکرد ارتباطی در گزینش محتوا و روش‌های یادگیری باشد.	۱۱/۳۷	۵

جدول ۴ خلاصه نتایج دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در مورد اصول مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی را نشان می‌دهد. بر این اساس، بیشترین درصد فراوانی مربوط به اصل تدارک فرصت‌های یادگیری (۲۷ درصد) در برنامه درسی زبان‌آموزی است. از سوی دیگر، اصل موضوع محوری از کمترین درصد فراوانی (۳ درصد) برخوردار است. در اصل موضوع محوری، برنامه درسی زبان‌آموزی از پیش برای دانش‌آموزان مشخص و به‌عنوان مجموعه‌ای که دارای سازمان‌دهی منطقی است به آن‌ها ارائه می‌شود. ایراد اساسی این اصل تأکید بیش از حد بر آموزش حجم معینی از محتوای درسی است که درک و فهم مطالب از طرف کودک را تحت‌الشعاع قرار داده و جریان زبان‌آموزی را به یک جریان مکانیکی تبدیل می‌کند.

جدول ۴. خلاصه نتایج انجام مصاحبه در مورد اصول مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	تعداد	درصد فراوانی
اصول برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی	اصل کودک محوری	۴	۱۲
	اصل محوریت کل‌نگر	۳	۱۰
	اصل انعطاف‌پذیری	۳	۱۰
	اصل تدارک فرصت‌های یادگیری	۸	۲۷
	اصل محوریت بازی	۶	۲۱
	اصل موضوع محوری	۱	۳
	اصل رویکرد ارتباطی	۵	۱۷

سؤال سوم پژوهش: هدف‌های مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی کدامند؟
نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که همه مقادیر t محاسبه شده بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است و به این ترتیب اولویت اثر هر یک از اهداف مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی در سطح ۰/۰۵ معنادار است. بر اساس نتایج این جدول، از نظر معلمان بالاترین اولویت اثر مربوط به «تقویت مهارت‌های آمادگی نوشتن دانش‌آموزان» است. همچنین کمترین اولویت اثر مربوط به «تقویت توان صحبت کردن دانش‌آموزان» است.

تعیین ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی از ...

جدول ۵. اولویت اثر هر یک از سؤالات مربوط به اهداف برنامه درسی مطلوب زبان‌آموزی

اولویت اثر	t	سؤال	ردیف
۵	۳۳/۸۰	مهم‌ترین هدف برنامه زبان‌آموزی، تقویت مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان است.	۲۰
۳	۵۵/۸۹	مهم‌ترین هدف برنامه زبان‌آموزی، تقویت مهارت‌های «گوش دادن» دانش‌آموزان است.	۲۱
۶	۲۳/۷۱	مهم‌ترین هدف برنامه زبان‌آموزی، تقویت توان «صحبت کردن» دانش‌آموزان است.	۲۲
۲	۱۱۳/۴۹	مهم‌ترین هدف برنامه زبان‌آموزی، تقویت مهارت‌های «آمادگی خواندن» دانش‌آموزان است.	۲۳
۱	۱۵۸/۰۸	مهم‌ترین هدف برنامه زبان‌آموزی، تقویت مهارت‌های «آمادگی نوشتن» دانش‌آموزان است.	۲۴
۴	۴۳/۰۳	مهم‌ترین هدف برنامه زبان‌آموزی، تقویت یادگیری زبان رسمی کشور برای دانش‌آموزان است.	۲۵

جدول ۶ خلاصه نتایج دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در مورد اهداف زبان‌شناختی برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول، بیشترین درصد فراوانی اهداف مربوط به مهارت‌های چهارگانه زبان‌آموزی (۶۰ درصد) است. کمترین درصد فراوانی نیز مربوط به هدف تقویت یادگیری زبان رسمی کشور (۵ درصد) برای دانش‌آموزان است.

جدول ۶. خلاصه نتایج انجام مصاحبه در مورد اهداف مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی

درصد فراوانی	تعداد	مقوله اصلی	مقوله فرعی
۶۰	۱۸	مهم‌ترین اهداف در برنامه درسی زبان‌آموزی ابتدایی	مهارت‌های چهارگانه زبان
۲۳	۷		مهارت‌های ارتباطی
۱۷	۵		یادگیری زبان رسمی

سؤال چهارم پژوهش: محتوای مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی دارای چه ویژگی‌هایی است؟

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که همه مقادیر t محاسبه‌شده بزرگ‌تر از $1/96$ است و به این ترتیب اولویت اثر هر یک از موارد مربوط به محتوای مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی در سطح $0/05$ معنادار است. بر این اساس، از نظر معلمان بالاترین اولویت اثر مربوط به «توجه به ساخت‌های دستوری و عناصر گفتمانی فراتر از جمله در محتوای برنامه زبان‌آموزی» است. در زبان فارسی، علاوه بر آواها، عناصری مانند آهنگ و تکیه سهم مهمی در تعیین نقش‌های دستوری و معنایی واحدهای زبانی ایفا می‌کنند. این عناصر به‌جز نقش‌های درون زبانی مانند تغییر جمله خبری به پرسشی، دارای نقش‌های فرازبانی نیز هستند. از سوی دیگر، کمترین اولویت اثر مربوط به «توجه به گونه‌های زبانی مانند گویش یا لهجه در محتوای برنامه زبان‌آموزی» است.

جدول ۷. اولویت اثر هر یک از سؤالات مربوط به محتوای مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی

اولویت اثر	t	سؤال	ردیف
۵	۲/۲۷	توجه به گونه‌های زبانی مانند گویش یا لهجه در محتوای برنامه زبان‌آموزی	۲۶
۴	۱۶/۸۸	توجه به عناصر زبانی مانند آواها و حروف و انواع واژگان در محتوای برنامه زبان‌آموزی	۲۷
۱	۳۱/۱۴	توجه به ساخت‌های دستوری و عناصر گفتمانی فراتر از جمله در محتوای برنامه زبان‌آموزی	۲۸
۲	۳۸/۵۰	توجه به عناصر و قواعد غیرکلامی مانند حرکت اندام‌ها و چهره در محتوای برنامه زبان‌آموزی	۲۹
۳	۴۲/۹۷	در نظر گرفتن عناصر فرازبانی مثل آهنگ و تکیه‌کلام در محتوای برنامه زبان‌آموزی	۳۰

جدول ۸ خلاصه نتایج دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در مورد محتوای مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول، بیشترین درصد فراوانی

تعیین ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی از ...

(۲۷ درصد) مربوط به خلاقیت و تفکر در محتوای برنامه درسی زبان‌آموزی است. همچنین کمترین درصد فراوانی (۴ درصد) مربوط به سازماندهی عناصر و قواعد زبانی بر اساس دسته‌بندی ساختاری (عناصر در ارتباط باهم) است.

جدول ۸. خلاصه نتایج مصاحبه در مورد محتوای مطلوب در برنامه درسی زبان‌آموزی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	تعداد	درصد فراوانی
ساختار کلی محتوا زبان آموزی	توجه به علایق کودکان و فرهنگ بومی و محلی در برنامه درسی زبان‌آموزی	۷	۲۴
	توجه به خلاقیت و تفکر در محتوای برنامه درسی	۸	۲۷
سازماندهی عناصر و قواعد زبانی	دسته‌بندی ساختاری	۴	۱۳
	دسته‌بندی دستوری	۶	۲۰
اصول سازماندهی محتوا	توجه به چهار اصل سازماندهی استمرار، وحدت، وسعت و توالی در برنامه درسی زبان‌آموزی	۵	۱۶

سؤال پنجم پژوهش: روش‌های یاددهی و یادگیری مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی کدامند؟

نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد که همه مقادیر t محاسبه‌شده بزرگ‌تر از $1/96$ است و به این ترتیب اولویت اثر هر یک از موارد مربوط به روش‌های یاددهی و یادگیری مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی در سطح $0/05$ معنادار است. بر اساس نتایج این جدول، از نظر معلمان بالاترین اولویت اثر مربوط به «شیوه حفظ و تکرار مثل حفظ و تکرار شعر و داستان برای آموزش زبان» و کمترین اولویت اثر مربوط به «کاربرد رسانه‌های مکتوب مانند کتاب درسی مصور، دفترچه تمرین، کتاب کمک‌آموزشی و کتاب قصه» است.

جدول ۹. اولویت اثر هر یک از سؤالات مربوط به روش‌های یاددهی و یادگیری مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی

اولویت اثر	t	سؤال	ردیف
۱۶	۹/۳۴	استفاده از رسانه انسانی (مریی زبان‌آموزی) به‌عنوان بخش غالب در آموزش زبان	۳۱
۱۷	۵/۹۹	کاربرد رسانه‌های مکتوب مانند کتاب درسی مصور، دفترچه تمرین و کتاب قصه	۳۲
۱۴	۱۲/۹۶	استفاده از رسانه‌های شنیداری مانند نوارهای آموزشی، رادیو در آموزش زبان	۳۳
۷	۳۱/۹۱	استفاده از رسانه‌های دیداری مثل تلویزیون، ویدئو و رایانه در آموزش زبان	۳۴
۳	۲۵/۷۵	کاربرد وسایلی مانند لوحه دیواری، ابزار واقعی یا مدل و کارت آموزشی در آموزش زبان	۳۵
۵	۳۶/۷۴	استفاده از شیوه رفتاری کامل مانند آموزش راه رفتن یا نشستن و ... در برنامه زبان‌آموزی	۳۶
۱۱	۱۹/۶۹	استفاده از شیوه‌های نمایشی مانند استفاده از مدل بدن انسان جهت آموزش چشم و گوش و ...	۳۷
۸	۲۲/۰۷	استفاده از شیوه صامت مانند استفاده از جدول تصویر- صدا برای آموزش زبان	۳۸
۶	۲۹/۹۴	استفاده از شیوه ایفای نقش (نمایشنامه) مانند آموزش فرزندگی با اجرای نمایش در آموزش	۳۹
۲	۳۸/۲۵	استفاده از بحث گروهی (بحث و گفتگو) مثل بحث در مورد فیلم‌های دیده‌شده دانش‌آموزان	۴۰
۱	۳۲/۱۱	استفاده از شیوه حفظ و تکرار مثل حفظ و تکرار شعر و داستان برای آموزش زبان	۴۱
۹	۱۹/۱۹	استفاده از شیوه پرسش و پاسخ (شامل دو فنِ ببین و بگو، بشنو و جواب بده) در آموزش زبان	۴۲
۱۲	۱۹/۰۱	استفاده از انواع بازی‌های آموزشی در آموزش زبان	۴۳
۱۰	۲۰/۸۰	استفاده از نمایش عروسکی به‌عنوان روشی برای آموزش زبان	۴۴
۴	۲۶/۴۸	استفاده از شیوه قصه‌گویی به‌عنوان روشی برای آموزش زبان	۴۵
۱۵	۱۳/۶۰	استفاده از شیوه کتاب‌خوانی به‌عنوان روشی برای آموزش زبان	۴۶
۱۳	۱۸/۳۳	استفاده از شیوه شعر و سرودخوانی به‌عنوان روشی برای آموزش زبان	۴۷

تعیین ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی از ...

جدول ۱۰ خلاصه نتایج دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در مورد روش‌های یاددهی و یادگیری برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول، بیشترین درصد فراوانی (۵۰ درصد) مربوط به روش سخنرانی در یادگیری است. از سوی دیگر، کمترین درصد فراوانی مربوط به روش بازی‌های آموزشی و نمایشنامه (ایفای نقش) با ۱۳ درصد فراوانی است.

جدول ۱۰. خلاصه نتایج مصاحبه در مورد روش‌های یاددهی و یادگیری مطلوب در برنامه درسی زبان‌آموزی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	تعداد	درصد فراوانی
روش‌های سستی یاددهی و یادگیری	روش سخنرانی	۱۵	۵۰
	روش حفظ و تکرار	۵	۱۷
روش‌ها و شیوه‌های فعال یاددهی و یادگیری	روش بازهای آموزشی و نمایشنامه	۴	۱۳
	روش بحث‌گروهی	۶	۲۰

سؤال ششم پژوهش: روش‌های ارزشیابی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی کدامند؟

جدول ۱۱ نشان می‌دهد که همه مقادیر t محاسبه‌شده بزرگ‌تر از $1/96$ است و به این ترتیب اولویت اثر هر یک از موارد مربوط به روش‌های ارزشیابی مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی در سطح $0/05$ معنادار است. بر این اساس، از نظر معلمان بالاترین اولویت اثر مربوط به «استفاده از آزمون عینی (پاسخ‌بسته) صحیح - غلط برای ارزیابی یادگیری‌های زبانی کودک» و کمترین اولویت اثر مربوط به «استفاده از آزمون‌های استعداد و پیشرفت تحصیلی برای ارزیابی یادگیری‌های زبانی کودک» است.

جدول ۱۱. اولویت اثر هر یک از سؤالات روش‌های ارزشیابی مطلوب زبان‌آموزی

اولویت اثر	t	سؤال	ردیف
۸	۱۰/۷۷	سنجش آغازین در دو نوع آزمون رفتار ورودی و آزمون پایه‌گزینی (پیش‌آزمون)	۴۸
۷	۱۶/۷۲	ارزشیابی تکوینی برای آگاهی از میزان یادگیری و تعیین نقاط قوت و ضعف	۴۹
۶	۲۷/۵۴	ارزشیابی تشخیصی جهت تشخیص مشکلات یادگیری کودکان در یک مهارت زبانی	۵۰
۹	۵/۳۵	ارزشیابی تراکمی باهدف نمره‌دهی به کودکان و قضاوت پیرامون اثربخشی برنامه زبان‌آموزی	۵۱
۵	۲۶/۴۹	استفاده از آزمون عینی (پاسخ‌بسته) چندگزینه‌ای برای ارزیابی یادگیری‌های زبانی کودک	۵۲
۱	۴۹/۳۵	استفاده از آزمون عینی (پاسخ‌بسته) صحیح - غلط برای ارزیابی یادگیری‌های زبانی کودک	۵۳
۲	۴۶/۴۲	استفاده از آزمون‌های عینی (پاسخ‌بسته) جور کردنی برای ارزیابی یادگیری‌های زبانی کودک	۵۴
۳	۴۵/۸۲	استفاده از آزمون‌های ذهنی یا سؤالات تشریحی برای ارزیابی یادگیری‌های زبانی کودک	۵۵
۴	۵۶/۷۶	استفاده از آزمون‌های عینی (پاسخ‌بسته) با سؤالات پاسخ کوتاه برای ارزیابی یادگیری‌های زبانی کودک	۵۶
۱۰	۴/۲۹	استفاده از آزمون‌های استعداد و پیشرفت تحصیلی برای ارزیابی یادگیری‌های زبانی کودک	۵۷

جدول ۱۲ خلاصه نتایج دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در مورد روش‌های یاددهی و یادگیری برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول، بیشترین درصد فراوانی (۳۳ درصد) مربوط به استفاده از آزمون عینی در ارزشیابی برنامه درسی زبان‌آموزی است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، دلیل استفاده از آزمون‌های عینی (بسته‌پاسخ) را می‌توان در سهولت تصحیح اوراق امتحانی و مرسوم بودن این آزمون‌ها در کتاب‌های کمک‌آموزشی و مؤسسات آموزشی است. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان کمترین درصد فراوانی

تعیین ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی از ...

(۱۰ درصد) نیز مربوط به روش سنجش آغازین در برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی است.

جدول ۱۲. خلاصه نتایج مصاحبه در مورد شیوه‌های ارزشیابی مطلوب در برنامه درسی زبان‌آموزی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	تعداد	درصد فراوانی
	سنجش آغازین	۳	۱۰
روش‌های ارزشیابی	ارزشیابی تکوینی	۴	۱۳
برنامه درسی زبان‌آموزی	ارزشیابی تراکمی	۷	۲۴
آزمون‌های ارزشیابی	آزمون عینی	۱۰	۳۳
برنامه درسی زبان‌آموزی	آزمون ذهنی	۶	۲۰

نتیجه‌گیری

بررسی برنامه‌های درسی مختلف از دیدگاه افراد و گروه‌هایی که از نزدیک درگیر اجرای آن برنامه‌ها در موقعیت‌های یاددهی - یادگیری مدارس و کلاس‌های درس هستند، می‌تواند داده‌ها و اطلاعات مهمی را در مورد مهم‌ترین مسائل و چالش‌های برنامه‌ها و همچنین شیوه‌های رفع و حل مشکلات برنامه درسی در دوره ابتدایی فراهم آورد. معلمان به‌عنوان مجریان اصلی برنامه درسی در اجرا و عملیاتی ساختن آن در کلاس‌های درس، نقش اصلی را بر عهده دارند. بر این اساس، پژوهش حاضر کوشیده است تا با استناد به نظرات و دیدگاه‌های معلمان دوره ابتدایی، به تعیین ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی در سه بخش مبانی برنامه درسی زبان‌آموزی، اصول برنامه درسی زبان‌آموزی و عناصر برنامه درسی زبان‌آموزی (اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی-یادگیری و روش‌های ارزشیابی) بپردازد و چارچوبی پیشنهادی برای تدوین یک برنامه درسی جامع برای زبان‌آموزی دوره ابتدایی ارائه دهد. توجه به یافته‌های این پژوهش می‌تواند به کم شدن نقاط ضعف برنامه فعلی کمک کرده و چالش‌های اجرایی جاری در برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی را کاهش دهد.

یافته‌های حاصل در مورد مبانی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی نتایج بخش کیفی و کمی پژوهش نشان داد که معلمان نظریه یادگیری اجتماعی (مشاهده و تقلید) زبان را مبنای مناسبی

برای یادگیری زبانی دانش‌آموزان می‌دانند. به نظر می‌رسد، دلیل این امر تأثیر زیاد مشاهده و تقلید در روند زبان‌آموزی در دوره ابتدایی است. علاوه بر این، در زمینه اصول مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی نتایج بخش کمی و کیفی تحقیق نشان داد که معلمان از میان اصول برنامه‌درسی زبان‌آموزی، اصل تلقی برنامه زبان‌آموزی به‌عنوان تدارک فرصت‌های یادگیری را بیشتر مد نظر دارند. به کارگیری این اصل در طراحی برنامه‌های درسی زبان‌آموزی مستقیماً بر اهداف یا نتایج مورد انتظار محتوا، مواد یادگیری و تجربیات یادگیری زبانی کودکان، چگونگی ارائه محتوا و اجرای فعالیت‌های یاددهی - یادگیری و ارزیابی آموخته‌های زبان‌آموزان را متأثر می‌سازد.

مقایسه نتایج بخش کمی و کیفی در زمینه اهداف مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی نشان می‌دهد که آمادگی نوشتن به‌عنوان مهم‌ترین هدف برنامه درسی زبان‌آموزی در دوره ابتدایی ارزیابی می‌گردد. مهارت نوشتن یکی از مهارت‌های چهارگانه زبان‌آموزی است که در بخش کیفی پژوهش نیز مد نظر معلمان بود. نتایج بخش کمی و کیفی نشان داد که در زبان فارسی علاوه بر آواها و ساخت دستوری، عناصری مانند آهنگ و تکیه‌کلام سهم مهمی در تعیین نقش‌های دستوری و معنایی واحدهای زبانی ایفا می‌کنند. این عناصر به‌جز نقش‌های درون زبانی، دارای نقش‌های فرازبانی نیز هستند و به دلیل کاربرد بیشتر در زندگی روزمره عناصر گفتمانی فراتر از جمله، مورد توجه بیشتر معلمان در محتوای برنامه درسی زبان‌آموزی بوده است.

همچنین، مقایسه نتایج بخش کمی و کیفی در مورد روش‌های یاددهی و یادگیری برنامه درسی زبان‌آموزی نشان داد که توجه بیشتر معلمان به روش‌های سنتی مثل سخنرانی و روش حفظ و تکرار است. تأکید روش‌های سنتی بیشتر بر حس شنوایی است و تفاوت‌های فردی در آن منظور نمی‌گردد. دلیل این مساله را می‌توان در اجرای آسان این روش‌ها در کلاس درس جستجو کرد. از سوی دیگر، فراهم نبودن زمینه‌های اجرای روش‌های فعال آموزش زبان، مانند روش بازی‌های آموزشی و نمایشنامه را نیز می‌توان دلیل دیگر توجه کم‌تر معلمان به این روش‌ها دانست.

تعیین ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی از ...

از سوی دیگر، اولویت معلمان به استفاده از آزمون‌های عینی (بسته پاسخ) در روش‌های مطلوب ارزشیابی برنامه درسی زبان‌آموزی مورد توجه است. دلیل این انتخاب را می‌توان سهولت تصحیح اوراق امتحانی و مرسوم بودن این آزمون‌ها در کتاب‌های کمک‌آموزشی و مؤسسات آموزشی مربوط دانست. با این حال، آزمون‌های ذهنی (تشریحی) به دلیل سنجش سطوح بالای شناختی مثل تجزیه و تحلیل و ترکیب، نباید مورد غفلت معلمان در امر زبان‌آموزی قرار بگیرد.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌گردد که اولویت‌های زیر در هر یک از بخش‌های مبنایی، اصول و عناصر مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی مورد توجه طراحان برنامه‌های درسی و مولفان کتاب‌های درسی آموزش زبان در دوره ابتدایی قرار گیرد:

۱. در مورد مبنایی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی به ترتیب نظریه‌های یادگیری اجتماعی (مشاهده و تقلید) و نظریه یادگیری پردازشی (تعاملی) مبنای یادگیری زبانی دانش‌آموزان قرار گیرند.

۲. در مورد اصول مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی، اصل تلقی برنامه زبان‌آموزی به‌عنوان تدارک فرصت‌های یادگیری و اصل محوریت بازی و فعالیت‌های عملی در یادگیری مورد توجه قرار گیرند.

۳. در مورد اهداف مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی به ترتیب اولویت، تقویت مهارت‌های «آمادگی نوشتن»، مهارت‌های «آمادگی خواندن» و تقویت مهارت‌های «گوش دادن» مد نظر قرار گیرد.

۴. در مورد محتوای مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی به ترتیب اولویت، ساخت‌های دستوری و عناصر گفتمانی فراتر از جمله در محتوای برنامه زبان‌آموزی مد نظر باشد. همچنین توصیه می‌شود که طراحان برنامه‌های درسی به عناصر و قواعد غیرکلامی مانند حرکت اندام‌ها و چهره در محتوای برنامه زبان‌آموزی توجه کنند و عناصر فرازبانی مثل آهنگ و تکیه‌کلام را نیز در محتوای برنامه زبان‌آموزی بگنجانند.

۵. در مورد روش‌ها و رویکردهای یاددهی-یادگیری مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی به ترتیب اولویت، از شیوه حفظ و تکرار مثل حفظ و تکرار شعر و داستان برای آموزش زبان استفاده شود، از شیوه بحث گروهی (بحث و گفتگو) مثل بحث پیرامون فیلم‌های دیده‌شده دانش‌آموزان استفاده گردد و وسایلی مانند لوحه دیواری، ابزار واقعی یا مدل، کارت آموزشی و کتابچه مصور برای آموزش پیش‌بینی گردد.

۷- در مورد روش‌های ارزشیابی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی به ترتیب اولویت به استفاده از آزمون عینی (پاسخ بسته) صحیح - غلط برای ارزیابی یادگیری‌های زبانی کودک توجه گردد. همچنین، استفاده از آزمون‌های عینی (پاسخ بسته) جور کردنی برای ارزیابی یادگیری‌های زبانی و استفاده از آزمون‌های ذهنی یا سؤالات تشریحی برای ارزیابی یادگیری‌های زبانی کودک مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- پهلوان نژاد، محمدرضا و نجفی، آزاده. (۱۳۸۷). اهمیت نقش ارتباطی زبان در جهت تکامل فرایند زبان‌آموزی در کودکان دبستانی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۷ (۲۸)، ۷۴-۴۷.
- چنانی، شهرام و عبدالخانی، علی. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی فعالیت‌های زبان‌آموزی دوره پیش‌دبستانی بر رشد زبان گفتاری دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی منطقه شاور در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲، دومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم رفتاری، تهران: موسسه اطلاع‌رسانی ناریش.
- دانای طوسی، مریم و بازاریار، مهدی. (۱۳۹۰). شاخص‌های آموزش گوش دادن در دوره ابتدایی: شواهدی از برنامه‌درسی زبان ملی چند کشور پیشرو در زبان‌آموزی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۱ (۴۱)، ۸۹-۱۱۲.
- زندى، بهمن. (۱۳۹۰). روش تدریس زبان فارسی (در دوره دبستان). تهران: سمت.
- زندى، بهمن. (۱۳۹۳). زبان‌آموزی. تهران: سمت.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۵). مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد: آستان قدس رضوی.
- عربی، احمد؛ سلطانی، اصغر و اسمی، کرامت (۱۳۹۶). تبیین ویژگی‌های ارزیابی مطلوب برنامه درسی زبان‌آموزی در دوره ابتدایی. فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۷ (۱۷)، ۱۰۹-۱۰۱.
- قاسم پور، حسین (۱۳۸۳). بررسی تطبیقی دیدگاه‌ها، رویکردها و روش‌های برنامه‌درسی زبان‌آموزی و ارائه الگویی برای برنامه‌ریزی درسی، آموزش زبان فارسی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۳ (۱۰)، ۱۰۲-۷۴.

تعیین ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی از ...

قاسم پور، حسین. (۱۳۸۵). بررسی تحلیلی ابعاد نوآوری در برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی ایران، همایش نوآوری در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی، شیراز: دانشگاه شیراز، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران،

مجلل چوبقلو، محمدعلی و تمجید تاش، الهام. (۱۳۹۱). تحلیل محتوای کتاب فارسی (بخوانیم و بنویسیم) پایه اول مقطع ابتدایی از بعد زبان‌آموزی در مناطق دوزبانه، همایش زبان مادری، مجال‌ها و چالش‌ها، گرگان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان.

مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۸۰). رشد زبان و فرضیه‌های زبان‌آموزی کودک. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

مفیدی، فرخنده و سبزه، بتول (۱۳۸۷). تأثیر فعالیت‌های زبان‌آموزی دوره پیش‌دستانی بر رشد زبان گفتاری دانش‌آموزان پایه اول دوره ابتدایی. فصلنامه مطالعات برنامه‌درسی، ۳ (۱۰)، ۱۴۱-۱۱۸.

موسوی زاده، فاطمه؛ احمدی مبارکه. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر بازی آموزشی بر زبان‌آموزی کودکان پیش‌دستانی، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی، ترکیه - استانبول، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ایلپا.

Bandura, A. (1977). *Social learning theory*. Englewood Cliffs, N.J: Prentice Hall.

Bunăiu, C. (2014). Strategic directions regarding trainers' instruction in the field of European curriculum's planning and implementation. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116, 1121 – 1126.

Catala, A. (2015). The cultural component in the first Language (L1) teaching: cultural heritage, identity and motivation in language learning. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 178, 20 – 25.

Chomsky, N. (2006). *Language and mind (3rd Ed)*. London: Cambridge University Press.

Douglas Brown, H. (2004). *Principles of language learning and teaching*. Addison. Wesley, Longman.

Elliot, J. (2009). *Child Language. Britain*: Cambridge University Press.

Erika, H. G. (2011). Formalism or Functionalism Evidence from the Study of Language Development. Functionalism and Formalism in Linguistics, Case Studies. *Studies in Language Companion Series- SLCS*). 42, 317- 340.

Eriksson, M. Marschik, P. B. Tulviste, T. Almgren, M. Pérez Pereira, M. Wehberg & Gallego, C. (2012). Differences between girls and boys in emerging language skills: evidence fro language communities. *British journal of developmental psychology*, 30 (2), 326-343.

Eysenck, M. E. & Keane, M, (2005). *Cognitive psychology: A student's handbook (5th Ed.)*. Psychology Press.

Farris, Pamela j. (2011). *Language Arts. Process, process, product and assessment (3rd Ed.)*. Mc Graw Hill.

- Halliday, M. A. K. & Webster, J. J. (2006), *The Language of Early Child, vol.4 (collected works of M. A. K. Halliday)*. Britain: Continuum International Publishing Group.
- Henseler, J. (2001). *Teaching by principles: an interactive approach to language pedagogy* (2nd Edition). Addison Wesley Longman Incorporation.
- Keeley, P. (2005). *Science curriculum topic study*. Corwin press.
- Klein, M. F. (1985). Curriculum design. In A. Lewy (Ed.), *International encyclopedia of curriculum*. Oxford: Pergamon.
- Klimova, B. F. (2014). Detecting the development of language skills in current English language teaching in the Czech Republic. *Procedia - Social and Behavioral Sciences, 158*, 85-92.
- Lukin, A. (2012). *The Development of Language: Functional Properties on Species and Individuals*. Britain: Continuum International Publishing Group.
- Piaget, J. (1969). *The Mechanisms of Perception*. Basic Books, New York.
- Pop, M-C. (2015). Course Material Design Using the New Technologies in Language for Specific Purposes Teaching and Learning. *Procedia - Social and Behavioral Sciences, 182*, 325 – 330.
- Richards, J. C. (2001). *Curriculum development in language teaching*. Cambridge University Press.
- Richards, J. C. (2007). *Approaches and methods in language teaching*. Cambridge University Press.
- Sarfraz, S., Mansoor, Z., & Tariqa, R. (2015). Teachers' and students' perceptions of the communicative language teaching methodology in the CALL environment: A case study. *Procedia - Social and Behavioral Sciences, 199*, 730 – 736.
- Skinner, B. F. (1957). *Verbal behavior*. New York: Appleton-Century-Crofts.
- Staffan, W. (2010). Teaching Skills and Academic Rewards. *Journal of Quality in Higher Education, 8* (1), 78-81.
- Van den Akker, J. (2003). Curriculum perspectives: An Introduction: In J. Van den Akker, U. Hameyer, & W. Kuiper (Eds.), *Curriculum landscapes and trends* (pp. 1-10). Dordrecht, the Netherlands: Kluwer.
- Vinzi, V. Trincherà, L. & Amato, S. (2010). PLS Path Modeling: From Foundations to Recent Developments and Open Issues for Model Assessment and Improvement. In V. Esposito Vinzi, W. W. Chin, J. Henseler & H. Wang (Eds.), *Handbook of Partial Least Squares*, (pp. 47-82): Springer Berlin Heidelberg.
- Widdowson, H. G. (2002). *Aspects of languageteaching*. Oxford University Press.
- Williams, J. D. & Snipper, G. C. (2000). *Literacy and bilingualism*; longman.
- Zais, R. S. (1976). *Curriculum: Principles and foundations*. New York: Crowell.